گفت‌وگو
مهسا گربندی

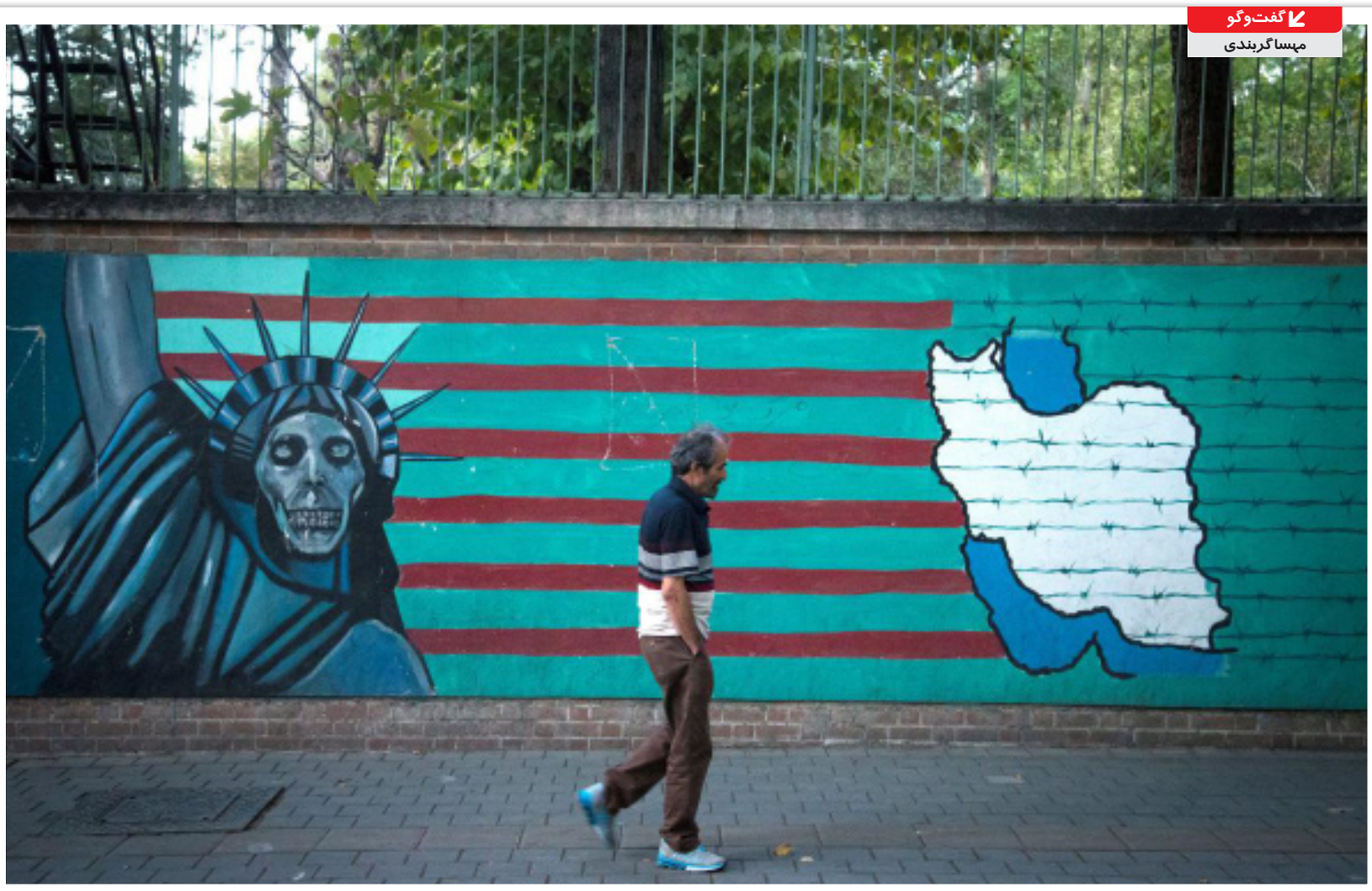

بررسی مشکلات ساختاری و مدیریتی «اقتصاد» در گفت‌وگوی «جوان آنلاین» با حجت‌الله عبدالملکی

۸۰ درصد مشکلات اقتصاد ما از خود تحریمی است

حقیقت این است، پس از انقلاب در حوزه اقتصاد انقلاب نکردیم

این روزها افکار عمومی به نادرستی درگیر مشکلات اقتصادی کشور شده و سخنرانی‌ها و صحبت‌های به دور از صداقت برخی مسئولان نیز به افکار عمومی غلط دامن زده است و رسانه‌ها نیز به این مسئله پروبال داده‌اند اما باید گفت که حقیقت ماجرا با تصویری که به مردم از مشکلات اقتصادی کشور نشان داده می‌شود، بسیار متفاوت است. در این زمینه با دکتر حجت‌الله عبدالملکی، نظریه‌پرداز و اقتصاددان، به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

درباره ریشه مشکلات اقتصادی امروز، تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود که اگرچه برخی همپوشانی‌هایی دارد اما برخی نیز در تقابل با یکدیگر است. شما این ریشه را در کجا می‌بینید؟

یکسری مسائل و مشکلات بلندمدت اقتصادی در کشور داریم که ریشه ساختاری دارد و برای آن کاری نکرده‌ایم. اصلاح آن نیز باید با برنامه بلندمدت باشد و ان‌شاءالله اتفاق خواهد افتاد. بخش دیگری از مشکلات اقتصادی کشور، کوتاه مدت و ریشه آن در چند سال اخیر است که با مدیریت صحیح و طی چند ماه قابل بررسی و رفع خواهد بود.

مسئله بلندمدت، مسئله دلاریزه بودن اقتصاد است. اقتصادهایی را دلاریزه می‌گویند که وقتی قیمت دلار افزایش پیدا می‌کند کل اقتصاد متلاطم می‌شود. باید گفت اقتصاد ایران جزو دلاریزه‌ترین اقتصادهای دنیا است، به جهت اینکه پس از انقلاب ما در حوزه اقتصاد انقلاب نکردیم و اقتصاد کشورمان امریکایی باقی ماند.

اقتصاد ایران قبل از انقلاب امریکایی‌ترین اقتصاد بود، زیرا اساتید و اقتصاددانان کشورمان تقریباً همه یا از امریکا فارغ‌التحصیل شده بودند یا طرفدار اقتصاد نئوکلاسیک امریکایی بودند. همچنین سیاستمداران و سیاستگذاران کشور نیز مبتنی بر تئوری اقتصادی امریکایی برنامه‌ریزی و حرکت می‌کردند. از طرفی ایران بیشترین ارتباط تجاری خود را با امریکا داشت، هم نفت خام به آن صادر می‌کردیم و هم واردات را از این کشور انجام می‌دادیم. از سوی دیگر به دلیل تسلطی که امریکایی‌ها در بخش نفت و گاز ایران به بهانه کنوانسیونی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد امضا شد، داشتند، سرمایه‌گذاری زیادی از طریق امریکا در این بخش اتفاق می‌افتاد؛ همه اینها باعث می‌شد که اقتصاد ایران قبل از انقلاب وابسته به دلار امریکا باشد.

چرا بعد از انقلاب دلار برایمان تبدیل به چالش شده است؟

بعد از انقلاب، تجارت ایران با امریکا بسیار کم شد تا جایی که نزدیک به صفر رسید اما همچنان اقتصاد کشور، امریکایی ماند و بسیاری از کسانی که تفکر اقتصادی‌شان امریکایی بود و دلار و اقتصاد امریکا را آمال خودشان می‌دانستند مدیریت کردند و می‌کنند. بنابراین جهش قابل توجهی برای رهایی از اقتصاد امریکایی صورت نگرفت. عاقلانه این است که وقتی ما با اقتصاد امریکا کاری نداریم، دلار تعیین‌کننده شرایط اقتصادی کشورمان نباشد.

این مسئله ساختاری مهم باعث می‌شود که با بالا رفتن قیمت دلار تمام ارکان بازار کشور متزلزل شود، در حالی که ارتباط اقتصاد و تولید ایران با خارج از کشور بیشتر از ۱۰ درصد نیست و اقتصادی که وابستگی آن به خارج زیر ۱۰ درصد است، نباید اینقدر تحت تاثیر نرخ دلار قرار گیرد.

متأسفانه کشورمان دلاریزه مانده است، در حالی که به راحتی می‌توانستیم اقتصاد ایران را از اقتصاد امریکا جدا کنیم تا کم و زیاد شدن قیمت دلار چالشی برای ما ایجاد نکند مانند ارز هند و کره جنوبی که چالشی برای ما ایجاد نمی‌کند. همچنین می‌توانستیم اقتصاد کشورمان نسبت به دلار را ایمن کنیم، اما قصوری که در طی این سال‌ها توسط مسئولان کشور صورت گرفته، مانع شده است.

در شرایط فعلی که اقتصاد کشورمان تحت تاثیر دلار است باز هم می‌توانیم در کوتاه مدت شرایط اقتصادی را بهبود بخشیم. چرا افزایش قیمت دلار در هفته‌های گذشته اینقدر بر بازار تاثیر داشت؟ دلیل آن این است که بر سایر بازارها به سرعت اثر می‌گذارد و مثلاً موجب می‌شود با بحران نبود پوشک بچه رو به رو شویم. در مرحله اول اقتصاد ایران نسبت به خبر تحریم یا برگشتن و تمدید تحریم شرطی شده است. این اتفاقی است که از سال ۹۱ افتاده و متأسفانه عامل آن فرافکنی و بزرگنمایی بود که رؤسای جمهور ما در این سال‌ها درباره تحریم‌ها، مذاکرات و برجام انجام داده‌اند. بنابراین در هفته‌های اخیر نه خود تحریم‌ها بلکه خبر تحریم‌ها در اقتصاد کشورمان تاثیر گذاشته است.

یعنی تحریم‌ها اثری در اقتصاد کشورمان نداشت؟

از سال ۹۱ مسئولان عالی دولت وقت اعلام کردند که تحریم‌ها کشور را فلج می‌کند و این مضمون را به افکار عمومی منتقل کردند. دولت بعدی نیز با شعار اینکه تحریم‌ها را برمی‌داریم و اگر تحریم‌ها برداشته نشود آب خوردن هم برای مردم وجود نخواهد داشت، بر سر کار آمد. آن وقت شاهکار خودشان را برجام معرفی کردند و گفتند مشکلات را به طور کلی حل کردند! در حالی که حرف‌هایی غیرواقعی بود؛ نه تحریم‌ها آنقدر که می‌گفتند مؤثر بود و نه برجام اثر خاصی بر رفع تحریم‌ها داشت.

اما ادبیاتی که از زبان مسئولان دولتی و رسانه‌ها به سرعت پمپاژ شد، باعث شد که اقتصاد ایران در افکار عمومی نسبت به موضوع برجام شرطی شود و به محض انتشار خبری مبنی بر لغو برجام و بازگشت دوباره تحریم‌ها، اقتصاد متلاطم شود.

همین مسئله باعث شد که وقتی امریکا در ۱۸ اردیبهشت ماه اعلام کرد که از برجام خارج می‌شود و تعلیق تحریم‌ها که از قبل نیز وجود داشت را تمدید کرد، اقتصاد ایران متزلزل شد. در صورتی که تحریم، برجام و خارج شدن امریکا از برجام هیچ اثر خاصی در اقتصاد کشورمان نداشته و ندارد و فقط جنگ روانی در زمینه اقتصاد به راه افتاد.

از ۱۸ اردیبهشت تا به امروز هیچ تحریم جدیدی علیه ایران اعمال نشده است اما خبرها و ابراز نگرانی‌ها در این زمینه افکار عمومی را به هم ریخت و رسانه‌ها نیز به این ماجرا دامن زدند. رسانه‌های کشور بدون اینکه تحقیق کنند و توضیح دهند که اقتصاد ایران اقتصادی نیست که بتوان آن را فلج کرد، وارد جنگ روانی اقتصادی شدند و به افکار غلط عمومی دامن زدند.

این در حالی است که اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند که در تحریم‌ها شرکت نمی‌کنند، هند، روسیه و چین نیز زیر بار تحریم نرفته‌اند و نخواهند رفت. همچنین تقریباً ۱۵ کشور همسایه داریم و ۴۰۰ میلیون نفر در این کشورها وجود دارند که ما با آنها انواع مبادلات را داشتیم و داریم و خواهیم داشت. رسانه‌ها بدون اینکه به این مسائل بپردازند نوشتند تحریم هستیم و قرار است شرایط اقتصادی کشور دوباره با بحران مواجه شود! همین مسئله موجب شد که بازار با شوک رو به رو شود و همه اینها ناشی از آن است که تصویر واقعی از شرایط کشور را به مردم نشان ندادیم و از توانایی واقعی و حقیقی کشور غافل شده‌ایم.

چه عامل مهم دیگری در مشکلات کنونی دخیل است؟

یکی از مشکلات حجم سنگین نقدینگی بود که طی ۵ الی ۶ سال اخیر بیش از سه برابر شد و در این حین خبر تحریم‌ها به صورت چاشنی علیه نقدینگی عمل کرد زیرا این پول‌ها که بیشتر در قالب سپرده بود و به طور صحیح مدیریت نشد و با ارسال سیگنالی از بازار ارز، مثل یک هیولایی که از خواب بیدار شده به بازار ارز، مسکن، خودرو و کالاهای اساسی حمله کرد و معضل احتکار را نیز به وجود آورد.

راهکار شما برای مدیریت فعلی اقتصاد چیست؟

چند کار مهم و اساسی در شرایط کنونی اقتصاد می‌توان انجام داد. اولین راهکار مربوط به حجم نقدینگی است، نزدیک به دو سوم این نقدینگی در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی است که وابسته به شبکه بانکی هستند. این نقدینگی که در اختیار تعداد معدودی از شرکت‌ها و افراد است باید مدیریت شود. بانک مرکزی باید با وضع قوانین مانع فعالیت اقتصادی این شرکت‌ها شود و بدین طریق آنها را کنترل کند.

بازار ارز نیز باید مدیریت شود. در شرایطی که کشور با مشکلات ارزی رو به رو شده است، دولت باید ارز را به بازار ثانویه و آزاد ارجاع دهد. البته این اقدام باید خیلی زودتر از اینها انجام می‌شد اما اخیراً دولت به آن تمکین کرده است.

نکته دیگر نیز نظارت بر بازار ارز است. مسئولان باید بررسی و نظارت کنند تا ارزی که به شرکت‌ها تخصیص داده می‌شود در مسیر دیگری خرج نشود و منجر به احتکار و افزایش هزینه‌ها نگردد.

> **از سال ۹۱ مسئولان عالی دولت وقت اعلام کردند که تحریم‌ها کشور را فلج می‌کند و این مضمون را به افکار عمومی منتقل کردند. دولت بعدی نیز با شعار اینکه تحریم‌ها را برمی‌داریم و اگر تحریم‌ها برداشته نشود آب خوردن هم برای مردم وجود نخواهد داشت، بر سر کار آمد. آن وقت شاهکار خودشان را برجام معرفی کردند و گفتند مشکلات را به طور کلی حل کردند! در حالی که حرف‌هایی غیرواقعی بود؛ نه تحریم‌ها آنقدر که می‌گفتند مؤثر بود و نه برجام اثر خاصی بر رفع تحریم‌ها داشت**

چند هزار واردکننده در کشور داریم که اینها بین دستگاه‌های اجرایی دولتی تقسیم شده‌اند و نظارت و مدیریت آنها نیز کار خیلی سختی نیست. اما متأسفانه با قصوری که از سوی مسئولان در این زمینه صورت گرفته، بازار با مشکلاتی رو به رو شده است و حالا به همت ویژه مسئولان نیاز دارد تا شرایط فعلی کنترل شود.

به نظر شما مسئولان دولتی در زمینه اقتصاد کشور از چه اقدامات مؤثری غافل شده‌اند؟

باید بپذیریم برجام اثری نداشته است و امریکایی‌ها قصد دارند ارز کشور ما را تحت تأثیر قرار دهند. مسئولان دولتی تلاش می‌کردند که بر مسئله تأثیر برجام پافشاری و القا کنند با برجام همه مشکلات حل می‌شود و کمتر به دنبال راهکارهای داخلی برای پیشرفت اقتصاد کشور بودند. الان زمانی است که باید به فکر اقتصاد کشور و مسیرهای جایگزین باشیم به نحوی که منابع ارزی کشور تأمین شود و این اتفاق کاملاً شدنی است.

امروز ما به کشورهای مختلفی صادرات داریم و این صادرات رو به افزایش است. باید از مسیرهایی که موسوم به دور زدن تحریم‌هاست، حرکت کنیم.

علم اقتصاد تحریم در دنیا در حال اجرا شدن است و برخی از کشورها از این مسیر به پیشرفت‌های چشمگیری دست‌یافته‌اند.

هنوز نمی‌دانیم چه کسانی و با چه قدرتی توانستند از ورود علم اقتصادِ تحریم به کشور جلوگیری کنند، امروز متأسفانه بسیاری از اقتصاددانان و مسئولان اقتصادی کشورمان راجع به این علم اطلاعی ندارند تا جایی که تصور می‌کنند اگر امریکا و اروپا، ایران را تحریم کند دیگر هیچ کاری نمی‌شود انجام داد! در حالی که با کمک علم اقتصاد تحریم می‌توانیم در شرایط تحریم، بسیاری از نقل و انتقالات کالایی و مالی را انجام دهیم و به پیشرفت برسیم.

در این میان مسئله صداقت مسئولان نیز بسیار مهم است. یعنی اگر ما می‌بینیم که اقتصاد ایران نسبت به تحریم‌ها شرطی شده و واقعا هم این طور است، بیاییم و روان‌درمانی کنیم و با صداقت بگوییم که تحریم‌ها و برجام که در این مدت سرگرم آن بودیم هیچ اثری در اقتصاد ایران نداشته و نخواهد داشت. نه اینکه بگوییم تا دیروز برجام خوب بوده، حالا که ترامپ از آن خارج شده، دیگر خوب نیست!

اینکه مسئولی می‌گوید اتفاقی که در کشور می‌افتد به دلیل ناشکری نسبت به برجام است، دارد اقتصاد ایران را نسبت به اتفاقات آبان ماه شکننده می‌کند! یا اینکه مسئولی در مجلس در پاسخ سؤالات نمایندگان می‌گوید که برجام چنین کرد و چنان کرد! یعنی دارد کشور را نسبت به مسئله تحریم‌ها شرطی می‌کند و این انصاف نیست.

عملکرد رسانه‌ها در این زمینه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

وقتی مسئولان پافشاری می‌کنند که «تحریم‌ها کشور را فلج می‌کند» و «برجامی که توسط امریکا پاره شد تمام مشکلات ما را حل می‌کرد» باعث می‌شود که مردم انتظار داشته باشند از آبان ماه، بحران اقتصادی در کشور اتفاق بیفتد! این در حالی است که فعالان اقتصادی هم این اظهارات نادرست مسئولان را پوشش می‌دهند و به تحلیل آن می‌پردازند. رسانه‌ها هم به این دسته از مطالب ضریب می‌دهند و باعث ایجاد تصوری غلط در کشور می‌شوند و فضا را ملتهب می‌کنند. باید مسئولان و رسانه‌ها در این زمینه با صداقت بیشتری با مردم صحبت کنند و تحلیل درستی از شرایط اقتصادی کشور ارائه دهند.

عمده مشکلات اقتصادی کشور محصول بی‌تدبیری مسئولان و کنش‌ها و واکنش‌های روانی است و هیچ کدام از آنها ریشه واقعی ندارد. دلیل اینکه رهبر معظم انقلاب به جنگ روانی رسانه‌ها اشاره کردند این است که تمام اتفاقات اقتصادی کشور در بستر رسانه‌ای اتفاق افتاده است. یعنی رئیس‌جمهور حرف اشتباهی را می‌زند و رسانه‌ها این حرف را یک‌میلیون برابر می‌کنند.

> **اقتصاد ایران درگیر تحریم‌های داخلی است و ما خودمان، خودمان را تحریم کرده‌ایم. تحریم‌های داخلی اگر برداشته شود ۸۰درصد مشکلات ما حل خواهد شد. اثرگذاری تحریم‌های خارجی که ۲۰ درصد است بسیار محدود خواهد بود و بی‌اثر خواهد شد. بعد از آن خواهید دید که دیگر امریکا و اروپا در تحریم شرکت نخواهند کرد و هزینه‌کرد برای تحریم ایران به ضرر آنها خواهد بود**

> **چند هزار واردکننده در کشور داریم که اینها بین دستگاه‌های اجرایی دولتی تقسیم شده‌اند و نظارت و مدیریت آنها نیز کار خیلی سختی نیست. اما متأسفانه با قصوری که از سوی مسئولان در این زمینه صورت گرفته، بازار با مشکلاتی رو به رو شده است و حالا به همت ویژه مسئولان نیاز دارد تا شرایط فعلی کنترل شود**

چه کنیم تا شاهد پیشرفت اقتصاد کشورمان باشیم؟

ایران پیش از این مورد تحریم امریکا بوده و هنوز هم هست. اروپایی‌ها هم ممکن است به این تحریم‌ها بپیوندند اما هیچ کدام از اینها مهم نیست چراکه شرکای تجاری ما نه امریکایی‌ها هستند و نه اروپایی‌ها بلکه شرکای تجاری راهبردی ما که می‌توانند به پیشرفت اقتصادی ما کمک کنند، کشورهای همسایه‌مان، کشورهای واقع در شرق آسیا و کشورهای حوزه امریکای لاتین و آفریقا هستند که اگر با اینها تجارت داشته باشیم پیشرفت اقتصادی محقق خواهد شد.

اگر فقط تجارت با کشورهای همسایه را گسترش دهیم، پیشرفت چشمگیری خواهیم داشت زیرا این کشورها عمدتاً مصرف‌کننده هستند و مرز مشترکی با آنها داریم و کالاهای مختلفی را می‌توانیم به این مناطق صادر کنیم. در واقع اگر از ظرفیت کشورهای همسایه استفاده کنیم، هیچ نیاز خاصی به امریکایی‌ها و اروپایی‌ها نخواهیم داشت. البته ممکن است که به بخشی از کالاهای خاص در امریکا و اروپا نیاز داشته باشیم که آنها را می‌توانیم از کشورهای دیگر تهیه کنیم.

بسیاری از کشورها حاضرند وارد تجارت با ایران شوند و خودشان تحریم‌ها را دور بزنند اما متأسفانه با بی‌تدبیری‌ها و بدرفتاری‌هایمان، پازل اهداف کثیف ترامپ را تکمیل کردیم و ظرفیت‌های خودمان را نادیده گرفته‌ایم.

اینکه برخی تولیدکنندگان احتکار می‌کنند یا افزایش قیمت ناعادلانه دارند یا اجناس بی‌کیفیت تولید می‌کنند در حالی که می‌توانند با کیفیت بالاتری آن را تولید کنند، اینکه برخی مردم کالای با کیفیت ایرانی نمی‌خرند و دنبال برند هستند! یا مسئولان دولتی که با واردات بی‌رویه باعث آسیب به تولید داخلی می‌شوند و با هر اقدام نادرست خود به تولیدات ایرانی ضربه می‌زند باعث شده تا همراه تحریم‌خارجی امریکا علیه خود شویم.

این نکته را باید در نظر داشته باشیم که اقتصاد ایران درگیر تحریم‌های داخلی است و ما خودمان، خودمان را تحریم کرده‌ایم. تحریم‌های داخلی اگر برداشته شود ۸۰درصد مشکلات ما حل خواهد شد. اثرگذاری تحریم‌های خارجی که ۲۰ درصد است بسیار محدود خواهد بود و بی‌اثر خواهد شد. بعد از آن خواهید دید که دیگر امریکا و اروپا در تحریم شرکت نخواهند کرد و هزینه‌کرد برای تحریم ایران به ضرر آنها خواهد بود.